

تحلیل محتوای روزنامه صوراسرافیل به منظور مطالعه نقش سیاسی- اجتماعی آن در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت*

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰، پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

رامین رسولاف**، کرامت الله راسخ***، علیرضا بیاباننورد****

چکیده

مطبوعات در رهبری افکار عمومی، در تمام جوامع بشری نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به همین جهت آن‌ها را رکن چهارم دموکراسی می‌دانند. اگرچه سابقه مطبوعات در ایران به اواسط قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد، لیکن ایرانیان عمدتاً در جریان انقلاب مشروطیت بود که به نقش مطبوعات آشنا شدند. این نقش با کارکرد آن‌ها در جوامع غربی متفاوت بود. یکی از مطبوعات معروف و پرفرودار این دوره روزنامه صور اسرافیل بود که به مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی و با همکاری میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا علی‌اکبر خان قزوینی مشهور به دهخدا منتشر می‌شد. انتشار روزنامه صور اسرافیل در جریان انقلاب مشروطیت شروع شد و تا کودتای محمدعلی شاه قاجار به طول انجامید. در این مدت تعداد ۳۲ شماره از این روزنامه منتشر شد. پژوهش حاضر با نگاه به نقش مطبوعات در انقلاب مشروطیت، در صدد بررسی و بیان نقش این روزنامه و تأثیرگذاری آن بر حیات عنصر ایرانی در این دوره است. روش این پژوهش تحلیل محتوا است که با استفاده از مقاله‌ها و سرمقاله‌های آن انجام می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که نشریه مذکور در جریان انقلاب مشروطه، از سه طریق، تلاش برای استقرار مشروطیت و حکومت قانون، مبارزه با استبداد حکومتی و مبارزه با جهل و خرافات بر حوادث این اثر تأثیر گذاشت.

کلیدواژه‌ها: صور اسرافیل، مشروطیت، مطبوعات، نقش سیاسی اجتماعی، نوسازی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته ارتباطات با عنوان «نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای روزنامه‌های روح‌القدس، صور اسرافیل و مساوات» است.

** دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران و گروه علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

*** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران (نویسنده مسئول).

Email: krasekh@gmail.com

**** استادیار علوم سیاسی، گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

وظیفه مطبوعات شکل دادن به افکار عمومی، هدایت و جهت‌دهی مردم، تصویرسازی ذهنی و قالبی در مردم، اطلاع‌رسانی و خبررسانی، بالا بردن آگاهی جامعه و کمک کردن به آن‌ها در سازمان‌دهی اوقات فراغت است (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۱۵). خاستگاه مطبوعات جوامع غربی است. آن‌ها در خاستگاه خود بر تغییر ساختار حوزه عمومی تأثیر بنیادی گذاشتند (هابرماس، ۱۳۹۲: ۲۴-۵۸). آن‌ها پاسخی بودند به نیازهای محافل ادبی که از اواخر قرن ۱۸ به‌تدریج در جوامع اروپایی شکل گرفتند. مطبوعات در برخی جوامع غربی قبل از این تاریخ وجود داشتند، لیکن با تشکیل این محافل کارکردی جدید پیدا کردند و رونقی دیگر یافتند، به‌طوری‌که از «اعتیاد به روزنامه خواندن» سخن گفته شد؛ یکی از عمده‌کارکردهای جدید مطبوعات در این عصر، کارکرد سیاسی و اجتماعی بود (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۹۳). چهار عامل بر این روند تأثیر بنیادی گذاشتند: الف. عوامل سیاسی و اجتماعی مانند پیشرفت پارلمان‌تاریسم، وسعت و افزایش زمینه‌های انتخاباتی و اساساً توجه وسیع عموم به امور سیاسی، تعمیم آموزش و رشد شهرنشینی؛ ب. عوامل اقتصادی مثل صنعتی شدن روش‌های تولید و تهیه مطبوعات؛ ج. عوامل فنی از قبیل تحول در فناوری صنعت چاپ، حمل‌ونقل، دریافت و انتقال اطلاعات؛ د. تولد خبرگزاری‌ها و آژانس‌های خبری (معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۷۰).

آشنایی ایرانیان با مطبوعات از اوایل قرن نوزدهم و با تماس ایرانیان با جوامع غربی آغاز شد. میرزا صالح شیرازی که در دهه دوم قرن نوزدهم برای تحصیل به انگلستان سفر کرد، در آن سرزمین صنعت چاپ آموخت تا مسبب تأسیس نخستین روزنامه ایرانی شود. ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران با انتشار روزنامه تناسب نداشت، در نتیجه میرزا صالح ناکام ماند تا دو دهه بعد در عصر محمدشاه نخستین به‌اصطلاح «روزنامه» با عنوان «کاغذ اخبار» یا به قولی «وقایع اتفاقیه» منتشر کند. این ورق در واقع «روزنامه» نبود، بلکه گزارشی کتبی از رخدادهای دیوانی بود (راسخ، ۱۳۹۸: ۶۷-۹۳)؛ بنابراین، روزنامه در ایران از آغاز با محتوا و کارکردی متفاوت شکل گرفت. هدف از انتشار روزنامه، صرفاً روزنامه داشتن دستگاه دیوانی بود، نه تنویر افکار عمومی و قرار دادن اخبار در اختیار حوزه

عمومی (پروین، ۱۳۷۷) (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵).

کارکرد روزنامه به مثابه «کاغذ اخبار» دستگاه دیوانی نیم‌قرن طول کشید، به‌رغم انتشار روزنامه «وقایع اتفاقیه» در عصر میرزا تقی‌خان و ناصرالدین‌شاه، لیکن این کارکرد از دهه آخر قرن نوزدهم تغییر کرد. چند روزنامه در ربع آخر قرن نوزدهم و دهه اول قرن بیستم، در عصر مشروطه، منتشر شدند که کارکرد متفاوت داشتند. کارکرد این روزنامه‌ها، از قبیل *قانون*، *عروة الوثقی* و *حبل‌المتین*، مبارزه سیاسی با دستگاه دیوانی قاجار بود. این‌ها تلاش داشتند با تحریک و تهییج مردم، آن‌ها را برای درگیری با دستگاه حکومتی آماده کنند. این چالش و رویارویی سرانجام به تأسیس «مجلس قانون‌گذاری» و به رسمیت شناخته شدن «آزادی‌ها» و «آزادی مطبوعات» شد (مولانا، ۱۳۵۸: ۹۴-۱۴۸). نقش روزنامه‌ها با «پیروزی انقلاب» مشروطیت تا حدودی تغییر کرد و آن‌ها «ارگان» مخالفین نظام شدند. آن‌ها از هر وسیله برای مبارزه با نظام سیاسی حمایت می‌کردند، حتی ترور افراد.

روزنامه‌های [صورت اسرافیل، روح‌القدس و مساوات در میان این روزنامه‌ها جایگاه خاصی داشتند (یزدانی، ۱۳۸۶). اگر محتوا و کارکرد این روزنامه‌ها را با هم‌تایان غربی آن‌ها مقایسه کنیم، به‌دشواری می‌توان از نقش آن‌ها در نوسازی جامعه ایرانی سخن گفت. آنچه مسلم است - صرف‌نظر از عنوان، آن‌ها در تحولاتی که در ایران عنوان مشروطیت گرفته است، نقش داشتند. اگر کارکرد آن‌ها با شرح هابرماس^۱ با کارکرد روزنامه‌های غربی مقایسه شود، دشوار می‌توان از نقش تنویر افکار عمومی و نوسازی اجتماعی سخن گفت.

تأثیر روزنامه‌نگاری بر تحولات سیاسی اجتماعی در فرایند نوسازی، یکی از موضوعات اصلی علوم سیاسی و اجتماعی از آغاز پیدایش روزنامه‌نگاری جدید در قرن ۱۷ بوده است. یکی از آثار کلاسیک در این زمینه، اثر یورگن هابرماس با عنوان «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی» است. هابرماس در فصولی از این کتاب، نقش روزنامه‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی را در فرایند تحولات اجتماعی، سیاسی و نوسازی بررسی کرده است (هابرماس، ۱۳۹۲). این تحولات زمینه را برای استقرار نظام پارلمانی و نظارت آن بر دستگاه دولتی فراهم کرد. رسانه‌های رسمی در انگلستان برای نخستین بار مجوز انتشار دریافت کردند. روزنامه‌نگاری مستقل

و تهییج مردم برای مشارکت در فرایند براندازی حکومت قاجار؛

ج: بررسی کارکرد روزنامه صور اسرافیل به مثابه گروه‌ها مدنی و احزاب سیاسی.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری درباره مطبوعات در جهان و همچنین ایران و به‌ویژه رخداد انقلاب مشروطیت تاکنون انجام گرفته و نتایج آن به شکل مقاله و کتاب منتشر شده است. این آثار را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد؛ نخست، آثاری که جنبه تاریخی دارند و تاریخ مطبوعات و رسانه‌ها را در جهان و ایران، به‌خصوص در عصر قاجار و پهلوی، بررسی می‌کنند. این‌گونه پژوهش‌ها عموماً قبل از انقلاب اسلامی انجام گرفته و به شکل کتاب انتشار یافته‌اند. دوم، آثاری هستند که مطبوعات حزبی و رسانه‌های سیاسی را بررسی کرده‌اند. نقش این‌گونه رسانه‌ها در شرایط فقدان جوامع مدنی و احزاب سیاسی در کشورهای درحال توسعه در این زمینه اهمیت دارد. سوم، مطالعاتی هستند که در چند دهه اخیر انجام گرفته‌اند و محتوای آن‌ها بیشتر کاربردی و آسیب‌شناسانه است.

در ارتباط با گروه اول می‌توان به کتاب آلبر و ترو با عنوان *تاریخ مطبوعات جهان* اشاره کرد که در نه فصل تنظیم شده است. این نه فصل عبارتند از ۱. پیشینه تاریخی روزنامه‌ها، ۲. پیشرفت‌ها و تنوع مطبوعات در قرون هفدهم و هجدهم، ۳. مطبوعات فرانسوی، ۴. صنعتی شدن و دموکراتیزه شدن مطبوعات از آغاز قرن نوزدهم تا سال ۱۸۷۱، ۵. فصل پنجم رشد مطبوعات مردمی با تیراژ وسیع (۱۸۷۱ - ۱۹۱۴)، ۶. مطبوعات فرانسه در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸)، ۷. دوران روزنامه‌های بزرگ (۱۹۱۹ - ۱۹۳۹)، ۸. مطبوعات فرانسه در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۴) و ۹. سرانجام مطبوعات بعد از جنگ جهانی دوم (آلبر و ترو، ۱۳۶۳). قاسمی و شکرخواه در اثری با عنوان *تاریخ مطبوعات ایران به انضمام پیشینه مطبوعات جهان* تاریخ مطبوعات ایران از دوران ناصرالدین شاه قاجار تا زمان حال و به پیوست تاریخ مختصر مطبوعات جهان را بررسی می‌کنند (قاسمی، شکرخواه، ۱۳۹۴). جهانگیر صلح جو در کتاب خود با عنوان *تاریخ مطبوعات در ایران و جهان* فرایند شکل‌گیری صنعت چاپ و جریان ورود این صنعت در

نیز به تدریج در کنار روزنامه‌های رسمی تأسیس شدند که «قلمرو چهارم»^۲ حوزه عمومی سیاسی را تشکیل می‌دادند (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۲۴ - ۱۲۵). نویسندگان و خوانندگان درگیر گفت‌وگو شدند. شمار روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها بعد از ۱۷۵۰ در مدت ۲۵ سال به دو برابر افزایش یافت (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۱۰ - ۱۱۴).

فرایند پیدایش و تأثیر روزنامه‌نگاری در ایران با غرب متفاوت بوده است. روزنامه‌نگاری در ایران در بستر تحولات اجتماعی سیاسی بنیادی شکل نگرفت. میرزا صالح شیرازی، یکی از منشی‌ها سطوح متوسط دستگاه دیوانی، در عصر محمدشاه قاجار، نخستین کسی بود که روزنامه «کاغذ اخبار» به قولی «وقایع اتفاقیه» را در ایران منتشر کرد (انصاری، ۱۳۹۰: ۵). روزنامه‌هایی که تا دهه آخر قرن نوزدهم منتشر می‌شدند، از جمله این روزنامه، حاوی اخبار حکومتی بودند. محتوای روزنامه‌های ایرانی در دهه آخر قرن نوزدهم و دهه اول قرن بیستم، در عصر «نهیضت تنباکو» و «جنبش مشروطه» تغییر محتوا دادند؛ به قولی سیاسی شدند. این روزنامه‌ها به معنای امروزی و شناخته‌شده آن روزنامه نبودند، بلکه بیشتر حاوی اظهارات و موضع‌گیری‌های سیاسی و مرامی بودند، از آن جمله می‌توان از *روزنامه قانون*، *تربیت*، *ثریا*، *اختر*، *حبل‌المتین*، *اتحاد*، *صور اسرافیل*، *روح القدس*، *عروة الوثقی*، *مجاهد*، *مسالوات* و *ملانصرالدین* نام برد (باقریان نژاد اصفهانی، ۱۳۷۱) (پروین، ۱۳۷۷) (صدر هاشمی، ۱۳۶۳) (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵) (مشیری، ۱۳۴۳). روزنامه‌های *روح القدس*، *مسالوات* و *صور اسرافیل* که در تهران منتشر می‌شدند، اهمیت بیشتری داشتند (محسنیان راد، ۱۳۷۵) (بهرام پور، ۱۳۷۹) (بروجردی علوی، ۱۳۷۹) (فدانی، ۱۳۸۷) (سبزی پور و احمدی‌خواه، ۱۳۸۸). روزنامه صور اسرافیل از میان این روزنامه‌ها از جایگاه مهم‌تری برخوردار بود، از نثر ساده و روان استفاده می‌کرد، بر اذهان عمومی تأثیرگذار بود و مردم را برای مقابله با استبداد حاکم تحریک می‌کرد. ما در این پژوهش با طرح دو سؤال عمده درصدد بررسی این ادعا هستیم:

الف. بررسی نقش سیاسی اجتماعی روزنامه صور اسرافیل در پیدایش فکر نوسازی در فرایند انقلاب مشروطیت؛

ب. بررسی نقش روزنامه صور اسرافیل در تحریک

(۱۳۷۵)؛ «بررسی تطبیقی ارزش‌های اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵» (حاجیلری، ۱۳۷۶)، مطالعه بهرام‌پور (۱۳۷۹) درباره گرایش‌های مرامی در مطبوعات ایران، مطالعه بروجردی (۱۳۷۹) درباره رابطه رسانه و مطبوعات با روشنفکران، بررسی فدائی (۱۳۸۷) درباره نقش مطبوعات در شکست استبداد صغیر در دوران انقلاب، مطالعه تطبیقی رسول اف و راسخ (۱۳۹۷) درباره سه روزنامه مساوات، روح القدس و صور اسرافیل در عصر مشروطیت، همچنین مطالعه سبزی‌پور و احمدی‌خواه (۱۳۸۸) درباره نقش منفی مطبوعات و دامن زدن به گرایش مرامی به آشفتگی فکری و نظری (۱۳۸۸). مطالعه گوت شلیش (Gottschlich, M. 1980) درباره نقش مطبوعات در کشورهای درحال توسعه و توسعه نیافته به مثابه احزاب و سازمان‌های مدنی به این گروه از آثار تعلق دارند.

گروه سوم، آثاری هستند که در چند دهه اخیر با محتوای پژوهش‌های میدانی، کاربردی و آسیب‌شناسانه تولید شده‌اند. سیما میربخش و همکاران (۱۴۰۱)، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در ایران را از دیدگاه ۳۰ نفر از خبرگان و متخصصان با روش کیفی بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که گفتمان‌های حاکم در سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در ایران شامل گفتمان حکومتی، گفتمان آموزش‌های رسمی (آموزش و پرورش و آموزش عالی)، گفتمان آموزش‌های غیررسمی (انجمن سواد رسانه‌ای ایران و مؤسسه‌های مردم‌نهاد) است. حسن نجار (۱۴۰۱) در مطالعه «ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی و حق پاسخگویی رسانه‌ها در ایران»، مسئولیت مدنی رسانه‌ها در چهارچوب حقوق ایران را بررسی و به این نتیجه رسیده است که قوانین ایران در این زمینه جای کار دارد. او سپس حق پاسخگویی را در اسناد بین‌الملل و کشورهای مختلف از جمله اسپانیا، ترکیه و کره جنوبی، ژاپن، یونان، مجارستان، انگلستان و امریکا را بررسی و با قوانین ایران مقایسه کرده و با توجه به نوع هدایت رادیو و تلویزیون دولتی به این نتیجه رسیده که حق پاسخگویی در جوامع مختلف متفاوت است. ابراهیم فتحی و همکاران (۱۴۰۱) رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران را با روش پیمایش، در جامعه آماری ۴۰۰ نفری و آزمون تی، اف و رگرسیون چند متغیره تحلیل و بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان استفاده از رسانه

عصر عباس میرزا و لبعهد و محمدشاه قاجار را شرح می‌دهد (صلح‌جو، ۱۳۴۸). کتاب چهارجلدی محمد صدر هاشمی با عنوان *تاریخ جراید و مجلات ایران*، یکی از باارزش‌ترین و مستندترین آثار در زمینه مطبوعات در ایران است. این کتاب که بین سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در اصفهان به چاپ رسید، در اوایل دهه ۱۳۶۰ تجدید چاپ شد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳). کتاب *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* نوشته ادوارد براون، مستشرق بریتانیایی، یکی از آثار کلاسیک در باره مطبوعات و ادبیات ایران است (بروان، ۱۳۳۵). مسعود برزین در دو اثر شناخته شده خود با نام‌های *سیری در مطبوعات ایران و مطبوعات ایران از ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۳* در صدد معرفی نقش مطبوعات به خصوص در عصر پهلوی است (برزین، ۱۳۴۵، ۱۳۵۴). حسین ابوترابیان در کتاب خود با عنوان *مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۶*، نقش مطبوعات را در نیمه اول دهه ملتهب ۱۳۳۰ بررسی کرده است، عصری که هنوز نیروهای خارجی در ایران بودند و حزب توده با حمایت اتحاد جماهیر شوروی نفوذ گسترده‌ای بر حوزه عمومی روشنفکری ایران داشت. احمد گل محمدی و همکاران *اسنادی از مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۴۰* (گل محمدی و همکاران، ۱۳۷۸) و علیرضا اسماعیلی و همکاران *اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه* (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۰) را منتشر کرده‌اند. این اسناد حاوی مطالب ارزشمندی برای مطالعات ثانوی درباره وضعیت مطبوعات در عصر پهلوی هستند. فرید قاسمی در چهار اثر ارزشمند خود و اثری مشترک با علی دهباشی *تاریخ مطبوعات ایران را مفصل بررسی کرده است. مطبوعات سیاسی و حزبی، موضوع واکاوی‌هایی متفاوت درباره مطبوعات و رسانه‌ها هستند. عبدالرحیم ذاکر حسین (۱۳۹۵) مطبوعات سیاسی ایران، معصومه طاهری (بی تا) تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعات، منصور حسین‌زاده (۱۳۷۱) تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان، شعبانعلی بهرام‌پور (۱۳۸۴) مطبوعات در دوره اصلاحات، غلامحسین صالح‌یار (۱۳۵۵) ویژگی‌های مطبوعات ایرانی و ناصرالدین پروین (۱۳۷۷)، تاریخ روزنامه‌نویسی دیگر فارسی‌نویسان را بررسی کرده است. آثار تحلیلی مانند کاوش محسنیان راد (۱۳۷۵) «درباره ارزش‌های القاشده در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی» (محسنیان راد*

مشروطیت؛ ۲. کاوش نقش روزنامه صور اسرافیل در تحریک و تهییج مردم برای مشارکت در فرایند براندازی حکومت قاجار؛ و ۳. کاوش نقش جایگزین روزنامه صور اسرافیل به مثابه گروه مدنی و حزب سیاسی.

سؤالات تحقیق

۱. آیا روزنامه صور اسرافیل در تحولات اجتماعی سیاسی در روند نوسازی ایران نقش داشته است؟
۲. آیا روزنامه صور اسرافیل در پیدایش فکر نوسازی در فرایند انقلاب مشروطیت نقش داشته است؟
۳. آیا روزنامه صور اسرافیل در تحریک و تهییج مردم برای مشارکت در فرایند براندازی حکومت قاجار نقش داشته است؟
۴. آیا روزنامه صور اسرافیل نقش جایگزین گروه مدنی و حزب سیاسی را در جریان انقلاب مشروطیت داشته است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌آید روزنامه صور اسرافیل در تحولات اجتماعی سیاسی در روند نوسازی ایران نقش داشته است؛
۲. به نظر می‌آید روزنامه صور اسرافیل در پیدایش فکر نوسازی در فرایند انقلاب مشروطیت نقش داشته است؛
۳. به نظر می‌آید روزنامه صور اسرافیل در تحریک و تهییج مردم برای مشارکت در فرایند براندازی حکومت قاجار نقش داشته است؛
۴. به نظر می‌آید روزنامه صور اسرافیل نقش جایگزین گروه مدنی و حزب سیاسی را در جریان انقلاب مشروطیت داشته است.

روش تحقیق

روش استفاده شده در این پژوهش، روش تحلیل محتوا است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در رشته‌های مختلف قرار گرفته است. در تحلیل محتوا، برخلاف تحقیق پیمایشی، افراد به صورت مستقیم مورد بررسی و تحلیل قرار نمی‌گیرند بلکه پیام‌هایی که تولید کرده‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در بین تعاریفی که برای تحلیل محتوا ارائه شده، به نظر می‌رسد تعریف برنارد برنسون^۳، محقق معروف آمریکایی، تعریف جامع‌تری باشد؛ زیرا هنوز با گذشت سال‌ها، پژوهشگران به آن استناد می‌کنند. برنسون

ملی و ارزش‌ها، باورها و احساسات سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین مصرف رسانه ملی و دانش سیاسی دانشجویان رابطه معناداری دیده نمی‌شود. پور شهریار و همکاران (۱۴۰۱)، عوامل انگیزشی استفاده از رسانه‌های اجتماعی مجازی در بین نوجوانان را بررسی کرده‌اند. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته است، به این معنا که ۱۷ نفر از نوجوانان دختر ۱۴ تا ۱۶ ساله که در استفاده از رسانه‌های اجتماعی دچار بدکارکردی بودند به روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیار انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل تجارب، منجر به شناسایی ۷ مضمون اصلی شامل رابطه همزیستی با همسالان، حضور همه‌جانبه، تنظیم هیجان، ایده‌آل سازی در برابر عادی‌سازی، مقایسه اجتماعی، کارکرد و پاسخ به مسائل وجودی- انسان‌گرا شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استفاده در دسرساز نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی نه به انگیزه جدید یا مد روز بودن بلکه به صورت هدفمند و به انگیزه برآورده شدن نیازهای اساسی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) صورت می‌گیرد.

این پژوهش با توجه به نتایج به دست آمده از هر سه دسته‌بندی رسانه‌ها، به شکل فوق، انجام گرفته است. موضوع آن بررسی مقاله‌ها و سرمقاله‌های روزنامه صور اسرافیل است که موضوع بیشتر آثاری است که ما آن‌ها را تحت عنوان «تاریخی» در دسته اول طبقه‌بندی کرده‌ایم. محتوای مقالات و سرمقاله‌های صور اسرافیل ماهیت سیاسی و اجتماعی دارد و این روزنامه کارکردی مدنی و تحریک اذهان عمومی دارد، در نتیجه بررسی آن در ردیف دسته دوم از مطبوعات و رسانه‌های ایران قرار می‌گیرد. این پژوهش هدف کاربردی دارد و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است، در نتیجه می‌توان آن را در ردیف پژوهش‌های گروه سوم نیز قرار داد.

اهداف پژوهش

الف. هدف اصلی: تحلیل محتوای روزنامه صور اسرافیل به منظور مطالعه نقش سیاسی اجتماعی آن در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت.

ب. اهداف فرعی: ۱. کاوش نقش سیاسی اجتماعی روزنامه صور اسرافیل در پیدایش فکر نوسازی در فرایند انقلاب

دیگر (نقش آموزشی) (Lasswell, 1948: 37-51). چارلز رایت میلز^۷، نقش تفریح و سرگرمی را به این سه نقش اضافه می‌کند (Scimecca, 1976: 180-196). کاظم معتمدنژاد سه وظیفه عمده اجتماعی را برای وسایل ارتباط جمعی قائل است؛ خبری و آموزشی، راهنمایی و رهبری، تفریحی و تبلیغی (نقل از معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۳-۱۳). ساروخانی نقش‌ها و وظایف وسایل ارتباط جمعی را به تفریحی، خبری، همگن‌سازی، آگاه‌سازی و احساس تعلق اجتماعی تقسیم می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۱۴).

نظریه مسئولیت اجتماعی، از رویکردهای شناخته‌شده در عرصه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی است. محور این نظریه، مسئولیت اجتماعی است که مطبوعات و رسانه‌ها در کنار دیگر کارکردهای اجتماعی و سیاسی دارند. مطبوعات در این چهارچوب نظری موظف هستند تا همه رویدادها، کشمکش‌ها و نظریات طرح‌شده در جامعه را بدون دخل و تصرف منعکس کرده و درباره آن‌ها گفت‌وگو کنند. به‌طورکلی، نظریه مسئولیت اجتماعی بر چند فرضیه استوار است، بدین معنی که رسانه‌ها در جامعه، به‌ویژه در جوامع دموکراتیک وظایف مهمی را بر عهده دارند. انجام این وظایف همراه با تعهداتی است که رسانه‌ها به رعایت آن ملزم هستند، تعهداتی چون انتشار اطلاعات فارغ از هرگونه تعصب و پیش‌داوری، انعکاس نظریات و دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، اعم از سیاسی یا فرهنگی، تأکید بر اصل حداکثر استقلال رسانه‌ها و بالأخره از رسانه‌ها به عنوان یک وسیله عمومی و نه ابزاری در جهت اهداف و اغراض شخصی و خصوصی یاد می‌شود. بدین ترتیب در مدل مسئولیت اجتماعی سعی شده است بین سه اصل «آزادی فردی»، «آزادی رسانه‌ها» و «تعهدات رسانه‌ها نسبت به جامعه» نوعی هماهنگی به وجود آید. (مهرداد، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

نظریه نوسازی، یکی از رویکردهای نظری دیگر در حوزه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به‌خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته است. این رویکرد نظری اساس این پژوهش قرار گرفت. چند نفر و اثر در این زمینه شاخص هستند. کتاب دانیل لرنر^۸ (۱۹۵۸) با عنوان «گذار از جامعه سنتی: نوسازی در خاورمیانه»، اثری دیگر از او با عنوان «ارتباطات برای توسعه اداری در آسیای جنوب شرقی» (۱۹۷۱)، اثر مشترک ویلبر شرام^۹ و دیوید لرنر^{۱۰} (۱۹۷۶) با عنوان «ارتباطات و

می‌نویسد: تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود (به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸۵-۲۹۲). در دوره حیات مطبوعاتی صور اسرافیل، تعداد ۳۲ شماره از این روزنامه چاپ شده است که به منظور بررسی دقیق آن تمامی ۳۲ شماره منتشر شده آن به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده است. در این تحقیق تلاش شده تا محتوای متون سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند که بیانگر ویژگی‌های مطبوعاتی و درون‌مایه‌های فکری صور اسرافیل است، بررسی شود. برای تحلیل محتوای روزنامه صور اسرافیل، ابتدا کلیه سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند روزنامه در دوره حیات مطبوعاتی آن ارزیابی شد. به این ترتیب که موضوع‌های درج‌شده در ۳۲ شماره صور اسرافیل که دربرگیرنده همه سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند است، بررسی شد. پس از این مرحله که تصویری کلی از روزنامه صور اسرافیل ارائه می‌دهد، برای دستیابی به برخی شاخص‌های کیفی، محتوای سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند صور اسرافیل تجزیه و تحلیل شد. در این بررسی ابتدا، فراوانی موضوع سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند نشریه و پس از آن جهت‌گیری انتقادی نشریه، مورد محاسبه و تحلیل قرار گرفت.

ملاحظات نظری

امروزه، وسایل ارتباط جمعی نقشی عمده در آموزش، اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و ایجاد مشارکت اجتماعی دارند. «س.پ. اسکات»^۴ سردبیر سابق روزنامه گاردین دو نقش عمده برای مطبوعات قائل است؛ نخست اطلاع‌رسانی و دوم بیان عقاید. رابرت مرتون و پاول لازارسفلد^۵ سه وظیفه برای وسایل ارتباط جمعی قائل هستند؛ نخست، وظيفه اخلاقی؛ دوم، ارتقای پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌ها و سوم، کارکردهای منفی مطبوعات با جایگزینی تخیل به جای واقعیت (Jerabek, 2011: 1191-1214). هارولد لاسول^۶ در مقاله‌ای با عنوان «ساخت و کارکرد ارتباطات در جامعه» سه نقش و کارکرد را به وسایل ارتباط جمعی نسبت می‌دهد؛ نخست، نظارت بر محیط (نقش خبری)؛ دوم، ایجاد همبستگی اجتماعی میان اجزای جامعه (نقش راهنمایی) و سوم، انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل

از صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۳۰). شمارگان این روزنامه پنج‌هزار نسخه بود. صور اسرافیل با این شمارگان، یکی از مردمی‌ترین نشریه ایرانی در آغاز تشکیل مجلس محسوب می‌شود. شمارگان این روزنامه تا ۲۴ هزار نسخه نیز گزارش شده است (باری یر، ۱۳۶۳: ۳۸)، اما مهم‌تر از فروش، شدت و دایره نفوذ آن در میان مردم است. صور اسرافیل در مکان‌های عمومی مثل قهوه‌خانه‌ها برای بی‌سوادان خوانده می‌شد و در برخی مناطق کشور بهترین سوغاتی به شمار می‌آمد (درودیان، ۱۳۷۸: ۱۳۸). این روزنامه حتی توسط برخی تهیدستان برای ثواب خریداری می‌شد (دبیر سیاقی، ۱۳۶۴: ۳۳۰). میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا علی‌اکبر دهخدا، دو نفر از نویسندگان اصلی روزنامه صور اسرافیل، در کنار آشنایی هرچند اندک با تحولات جهان، قلمی توانا داشتند. این ویژگی سبب شد تا آن‌ها بر افکار عمومی، پیروزی انقلاب مشروطیت و آغاز فرایند نوسازی در چند دهه بعد از مشروطه تأثیر بیشتری داشته باشند.

محتوای روزنامه صور اسرافیل

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در روزنامه صور اسرافیل، مطالب روزنامه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: الف. دفاع از مشروطیت و مجلس شورای ملی و استقرار حکومت قانون؛ ب. انتقاد از شاه، درباریان و حکومت قاجار؛ ج. نقد جاهل و خرافه‌پرستی مردم.

روزنامه صور اسرافیل که پس از پیروزی انقلاب مشروطیت منتشر شده، مهم‌ترین هدف انقلاب مشروطیت را برقراری حکومت مشروطه و حمایت از مجلس شورای ملی می‌داند و از همان سرمقاله اولین شماره روزنامه سعی می‌کند که این اهداف را برای مردم چنین بیان کند: «حمد خدای را که ما ایرانیان ذلت و رقیه خود را احساس کرده و فهمیدیم که باید بیش از این بنده عمر [و] زید و مملوک این‌وآن نباشیم؛ و دانستیم که تا قیامت بارکش خویش و بیگانه نباید بود. لہذا با یک جنبش مردانه در چهاردهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ هجری قمری مملکت خویش را مشروطه و دارای مجلس شورای ملی (پارلمان) نموده و به همت غیورانه برادران محترم آذربایجان ما در بیست و هفتم ذی‌حجه ۱۳۲۴ دولت علیه ایران رسماً در عداد دول مشروطه صاحب (کنستی توسیون) قرار گرفت. دوره خوف و وحشت به آخر رسید و زمان سعادت و ترقی شد. عصر نکبت و فترت

تغییرات: ده سال گذشته و پس از آن»، اثر مشترک دانیل لرنر، نلسون لیل^{۱۱} و ویلبر شرام با عنوان «پژوهش ارتباطات: ارزیابی نیم‌قرن» و کتاب مشهور مشترک هارولد لاسول، دانیل لرنر و هانس اشپیر^{۱۲} (۱۹۷۹) با عنوان «ابزار نمادین در اعصار اولیه» نام برد. لرنر (۱۹۵۸) در اثر مذکور، پس از مطالعه در خصوص شش کشور ترکیه، لبنان، سوریه، اردن، مصر و ایران، جامعه نمونه‌ای بالغ بر ۱۶۰۰ نفر از مردم این کشورها را برای مصاحبه در نظر گرفت و طی تحقیقاتش دریافت که سه عامل گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد و وسایل ارتباط جمعی در تغییر سبک زندگی سنتی به سبک زندگی مدرن نقش مهمی دارند. اساس نظریه لرنر بر این فرض استوار است که رسانه‌های همگانی قادرند نگرش‌های اجتماعی را تغییر دهند و حس هم‌دلی (تحرك روحی) و مشارکت بیشتر در مردم پدید آورند. به عقیده لرنر برای ایجاد دگرگونی و نوسازی، تغییر نظام ارتباطی جوامع سنتی ضروری است؛ بنابراین به عقیده لرنر، اگر نظام ارتباطی سنتی به نظام ارتباطات جمعی تبدیل شود، رسیدن به مراحل پیشرفت سریع‌تر خواهد بود (به نقل از معتمدنژاد، ۱۳۷۰: ۱۸).

قلمرو تحقیق

روزنامه صور اسرافیل

روزنامه صور اسرافیل، مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و پرشماره‌ترین روزنامه ایران در دوره مشروطه اول است که توسط میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیرخان شیرازی (صور اسرافیل) و میرزا علی‌اکبرخان قزوینی معروف به دهخدا منتشر شده است، جمعاً ۳۲ شماره در ایران چاپ شده که نخستین شماره در تاریخ هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و آخرین شماره آن، سه روز قبل از به توپ بستن مجلس شورای ملی در تاریخ بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری منتشر شده است (پروین، ۱۳۷۹: ۵۲۰). روزنامه صور اسرافیل، روزنامه‌ای «هفتگی، سیاسی، تاریخی، اخلاقی» تعریف می‌شد. این تعاریف در سرلوحه تمام شمارگان این روزنامه دیده می‌شود (روزنامه صور اسرافیل، صفحه نخستین). در سرلوحه روزنامه، تصویر فرشته آزادی در حالی دمیدن در صور ترسیم شده است. در داخل سرلوحه، اسم روزنامه (صور اسرافیل) به خط نسخ درشت و کلمات «حریت»، «مساوات» و «اخوت» با خط ریز نوشته شده است (نقل

منتهی شد و تجدید تاریخ و اول عمر ایران شد. زبان و قلم در مصالح امور ملک و ملت آزاد شد و جراید و مطبوعات برای انتشار نیک و بد مملکت حریت یافت. روزنامه‌های عدیده مثل ستارگان درخشان با مسلک‌های تازه افق وطن را روشن کرد و سران معظم بنای نوشت و گفتن را گذاشتند. ما نیز با عدم لیاقت و بضاعت مزجات قلم برداشته که به خواست خدا شاید بتوانیم به دین و دولت و وطن و ملت خود خدمتی کنیم و به ابنای این آب‌و‌خاک موروثی که با خون پدران و نیاکان ما عجین و سرشته است، ابراز ارادتی نماییم. در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستاییان و ضعفا و فقرا و مظلومین امیدواریم تا آخرین نفس ثابت‌قدم باشیم و از این نیت مقدس تازنده‌ایم دست نکشیم؛ و با صدای رسا می‌گوییم که از تهدید و هلاکت بیم و خوفی نداریم و به زندگی بدون حریت و مساوات و شرف واقعی نمی‌گذاریم و به‌جز ذات پروردگار و احکام الهیه و قوانین ملکیه از احدی نمی‌ترسیم؛ و از این عقیده راسخ و محکم تخطی نمی‌کنیم. تملق از کسی نمی‌گوییم و به رشوه‌گول نمی‌خوریم. قدح و مدح بیجا از کسی نمی‌کنیم و اغراض نفسانی به کار نمی‌بریم. به عبارت اخری، بد را بد و خوب را خوب می‌نویسیم. در نگارش این روزنامه انتفاع و سود شخصی را منظور نمی‌نماییم و این کار را کسب و شغل خود قرار نمی‌دهیم؛ و به فریاد بلند به تمام برادران ایران و ایرانی نژاد خود عرض می‌کنیم که اگر خدای نخواستہ از ما نسبت به وطن خلافی مشاهده فرمایند، ما را متنبه نموده و از راه کج بازدارند و تا خیر آنان را می‌خواهیم، ما را از خود داندند. به من و کرمه و الصلوه؛ و السلام علی محمد و آله الطاهیرین العمصومین.» (نقل از صور اسرافیل، ش ۱، ص ۱ و ۲).

صور اسرافیل طرح مقولاتی مانند «عدالت»، «مشروطیت»، «مجلس شورای» و «قانون» را ناشی از آشنایی ایرانیان با مغرب‌زمین می‌داند. این روزنامه معتقد است که آرمان‌های جدید سیاسی ریشه در مسلک‌های اروپایی دارند و توسط کسانی که قبلاً با کارکردهای آن‌ها آشنایی داشتند به ایرانیان معرفی شدند (بشیر، ۱۳۸۸: ۳۵۰). میرزا جهانگیرخان می‌نویسد: «من از روز اول فهمیده بودم که مشروطه یعنی عدالت، مشروطه یعنی رفع ظلم، مشروطه یعنی آسایش رعیت، مشروطه یعنی آبادی مملکت، من این‌ها را فهمیده بودم، یعنی آقایان و فرنگی‌ماب‌ها این مطالب را به من حالی کرده بودند.» (نقل از صور اسرافیل، شماره ۲۲، ص ۷).

محور دیگر فعالیت روزنامه صور اسرافیل مبارزه با حکومت حاکم و دفاع از عدالت است، به طوری که اساس مشروطیت را «عدالت» و «محو استبداد» تعریف می‌کند. صور اسرافیل، ایجاد نظام مشروطه و کنده شدن ریشه استبداد را از جمله کارهای بزرگ در ایران می‌داند و چنین می‌نویسد: «البته بر همه کس واضح و مبرهن است که در این اواخر تمام مردم از خواب غفلت بیدار و ملتفت شده‌اند که وضع قدیم مملکت یعنی عدم صرف آزادی شخصی، یعنی رواج بازار استبداد، یعنی دزدی آشکار، یعنی ظلم فاحش، یعنی چشم از شرف پوشیدن و از رتبه انسانی پایین آمدن، یعنی برای پول هر کاری را متقبل شدن و به واسطه پول، [عرض و ناموس و وطن و تمام آن چیزهایی را که انسان برای آن‌ها زندگی می‌کند فروختن. یعنی بی‌علمی، یعنی کوری، یعنی کری، یعنی حماقت، یعنی نفهمی صرف، یعنی قرض ... مضر مملکت است و ایران را به حال امروز درآورده است! مسلم است همین‌که کسی ملتفت ضرری شد باید در فکر علاج و چاره رفع آن ضرر برآید! آیا ما در این باب چه کرده‌ایم؟ بلی به کار بزرگی اقدام کرده‌ایم که هنوز باز نمی‌گذارند کاری کنیم! آن کار بزرگ کدام است؟ آن کار بزرگ گسیختن زنجیر عبودیت و رقیق افراد ملت و داخل کردن آن‌ها از برای آزادی به جرگه انسانی است! آن کار بزرگ بنای اساس مشروطیت و کندن ریشه استبداد است! محققاً وقتی که دیگر هیچ‌کس نتوانست به ملت به میل شخصی تحکم کند و حق امر و نهی را داشته باشد آن ملت آزاد است، آن ملت راهنما و پیشوا و مقنن و تکلیف معلوم کن می‌خواهد، چرا؟ زیرا که آزادی هر فردی از افراد مملکت باید به درجه‌ای باشد که آن آزادی باعث سلب آزادی و اسباب صدمه نوع او نشود، اما درجه آن آزادی را نه سلطان، نه وزیر، نه وکیل، نه قاضی، [هیچ‌کس به‌جز قوه مقننه حق معلوم کردن ندارد.]» (نقل از صور اسرافیل، شماره بیستم، ص ۳).

شماره اول قصد داشت تا با نصیحت‌های توأم با انتقاد از شخص محمدعلی شاه و نشان دادن فرجام شوم شاهان بدکردار، وقایع انقلابی و خون‌بار اروپا را به شاه، درباریان و عوامل وابسته به استبداد یادآوری کند: «اعلیحضرتا. پدر تاج‌دارا، آیا هیچ تاریخ ژول سزار روم را می‌خوانید؟ آیا حکایت پادشاه انگلیس را به خاطر می‌آورید؟ آیا قصه لویی شانزدهم را به نظر دارید؟ آیا قتل پدر تاجدار بزرگوار خود را متذکر می‌شوید؟ آیا گمان می‌کنید که این اشخاص

مهم غافل باشید که این مردم آدم‌های سابق نیستند. در این اواخر هم آنچه دست‌وپا کردید و به دسائس الحیل ما را فریب دادید گذشت. بیش از این ما را زحمت مدهید و آهن سرد مکوید. بی‌جهت سرگردان ماباشید و به این در و آن در مزیند. شب‌زنده‌دار نشوید و انجمن منعقد مکنید. پارتی تشکیل ننمایید. پول‌های خود را به مفت به راپورتچی مدهید که به جان خواجه قسم آنچه رشته‌اید پنبه می‌شود و هرچه بدوید عقب می‌افتید. آنچه از پیر و استاد دارید و به کار ببرید بی‌ثمر می‌ماند. زیرا که حریف پرزور است و از میدان در نمی‌رود و از این توپ و تشرها نمی‌ترسد. چراغ ایزدی است که نورش تمام مملکت را فراگرفته و هیچ بادی آن را خاموش نمی‌کند. خوب است از خر شیطان پایین آید». (نقل از صور اسرافیل، شماره اول، ص ۷). صور اسرافیل با همین محتوا ادامه می‌دهد: «و البته در این صورت اعلی حضرت همایونی باب معاشرت را (که آن هم ناشی از اشتباه کاری همان چند نفر است) به روی خود بسته و با همان چند نفر خائن و حامیان آن‌ها پیوسته‌اند، نفوذ هر خیالی، بی‌اصل و تغییر هر حقیقتی به مجاز در قلب‌شان کمال سهولت را دارد و با بقای حالت حاضر، راه تمام امیدهای اصلاحی به روی ملت و دولت بسته است و هیچ‌وقت نمی‌توان امیدوار بود که این دو قوه باهم موافق شده و برای سد مخاطبات مملکت و جلوگیری از مفاسد و اصلاح خرابی‌ها کوشش کنند...» (نقل از صور اسرافیل، شماره سی و یکم، ص ۲).

محور سوم محتوای صور اسرافیل، مبارزه با جهل و خرافه‌پرستی مردم است: «در ایران مدت‌هاست رسم شده که صحت و سقم و وجود و عدم حقایق ثابت دنیا را بسته به اعتقاد یا انکار شخصی خودشان می‌دانند! زمین کروی نیست، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. ماه کوچک‌تر از مریخ نیست، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. وبا میکروب ندارد، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. طلا بسیط نیست، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. هوا مرکب نیست، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. عناصر ممکن نیست از چهار تا بیشتر باشد، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. کشتی‌های انگلیس در کمتر از بیست و چهار ساعت نمی‌توانند تمام بنادر خلیج فارس را متصرف شوند، برای اینکه ما اعتقاد نداریم. کارخانه دنیا فقط منتظر انکار و اعتقاد ماست... اگر اعتقاد کردیم، همه چیز به وجود می‌آید و اگر انکار نمودیم همه دنیا معدوم می‌شود. عقلای دنیا در مقابل این جهالت بخت و این خودپسندی مضحک،

بزرگ تاریخی به‌شخصه گناهکار و سزاوار این نوع از رفتار بوده‌اند؟ قسم به ذات پاک احدیت و قسم به قوه عدالت الهی [،] این پادشاهان بدبخت که سوء عاقبت‌شان مایه رقت هر صاحب حسی است [،] همه شخصاً مثل ذات مقدس تو پاک و بی‌گناه و مبرا بوده و آنچه را که ملت به آن‌ها نسبت دادند و به آن گناه آن‌ها را گرفته سر بریدند یا زیر شمشیرهای غیورانه پاره‌پاره کردند گناه آن‌ها نبود [،] پس چه امری سبب این انتقامات و خیمه و این نمک‌ناشناسی‌های ملل شد؟...» (نقل از صور اسرافیل، شماره اول، ص ۲). همچنین در مقاله دیگری ضمن دادن پند و اندرز به محمدعلی میرزا، وی را از خیانت‌های اطرافیانش آگاه نموده و چنین می‌نویسد: «اعلیحضرتا. پدر تاج‌دارا [،] عرایض خائنانه آن‌هایی را که خویش را فدویان دولت‌خواه و چاکران جان‌نثار سلطنت می‌دانند و معنی مشروطیت را در نظر مبارک به عقیده سخیفه مغرضانه خود تفسیر و توجیه می‌کنید گوش ندهید و درنگ و تأمل [،] امرو مقرر فرمائید که هیئت وزرا به جد و جهد تمام تا آخرین نقطه معنی مشروطیت را منظور دارند و حقیقت (کنستی توسیون) را تکمیل کنند. وکلانی را که حکام مستبد تا به حال نگذاشته‌اند حرکت کنند تلگرافاً بخواهند. از تمام ایالات که حکم اعضای اصلی سالم مملکت را دارند وکیل انتخاب کرده به شورای ملی روانه نمایند. نظام‌نامه‌های وزارتخانه‌ها و حکام را بی‌استخوان لای زخم گذاشتن نوشته به امضاء همایونت موش دارند و تمام وزرا در شغل و کار خود آنچه لازمه تکلیف آن‌هاست عمل کنند. رسماً از جانب اعلیحضرتت به تمام دول عالم [،] مشروطه شدن دولت و مملکت ایران را اعلام نمایند. به عبارت آخری آن چیزی را که ملت بالغ مکلف می‌خواهد بدان‌ها بدهند تا ملک و ملت از دشمنان خانگی و خارجی آسوده گردد و سالارالدوله نیز با خیال مطمئن در هر گوشه مملکت که می‌خواهد فارغ‌البال مثل سایر شاهزادگان دول و ملل مشروطه عالم [،] زندگی کند و بر جان و مال خویش ایمن باشد.» (نقل از صور اسرافیل، شماره دوم، ص ۳ و ۴). صور اسرافیل در مسیر مبارزه با استبداد محمدعلی شاه را از تأثیرپذیری از اطرافیان بر حذر می‌دارد: «ای کسانی که لخت جگر بیچارگان را می‌خورید و خون دل مظلومان می‌آشامید و آه جان‌سوز بیوه‌زنان و یتیمان را نغمه بساط عیش خود قرار می‌دهید و نوع خود را گوسفند قربانی خویش می‌دانید. به هوش آید و این ایام را مشابه روزگار گذشته بشمارید و از این مسئله

جدول ۲. توزیع فراوانی ساختار موضوعی مطالب صور اسرافیل.

چرند پرند		مقاله		سرمقاله		ساختار موضوعی مطالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۶٪	۱۶	۵۹/۴	۱۹	۴۱/۷	۵	سیاسی
۱۷٪	۵	۳/۱	۱	---	---	اجتماعی
---	---	۲۵٪	۸	---	---	اقتصادی
۲۴٪	۷	---	---	---	---	اجتماعی سیاسی
۳٪	۱	---	---	۵۰٪	۶	اجتماعی مذهبی
---	---	۱۲/۵	۴	۸/۳	۱	مذهبی
۱۰۰٪	۲۹	۱۰۰٪	۳۲	۱۰۰٪	۱۲	جمع کل

با توجه به «جدول ۳» می‌توان گفت که نقد نظام سیاسی، بیش از سایر موارد، هدف مورد بحث مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند بوده است به گونه‌ای که ۵۹/۴ درصد مقاله‌ها و ۵۸/۶ درصد از مقاله‌های چرند پرند، ساختار اهداف‌شان مربوط به نقد نظام سیاسی بوده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی ساختار اهداف مطالب صور اسرافیل.

چرند پرند		مقاله		سرمقاله		ساختار اهداف مطالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۸/۶	۱۷	۵۹/۴	۱۹	۳۳/۳	۴	نقد نظام سیاسی
---	---	۶/۲۵	۲	۱۶/۷	۲	ترغیب مردم به مشارکت
۳۴/۴	۱۰	۲۵٪	۸	---	---	توصیه و آگاهی افکار عمومی
۶/۶	۲	۶/۲۵	۲	۴۱/۷	۵	نقد جهل و خرافه‌پرستی مردم
---	---	۳/۱	۱	۸/۳	۱	نصیحت به پادشاه
۱۰۰٪	۲۹	۱۰۰٪	۳۲	۱۰۰٪	۱۲	جمع کل

با توجه به «جدول ۴» می‌توان نتیجه گرفت جهت انتقادی سرمقاله‌های صور اسرافیل بیشتر شامل جهل و

این‌طور به ما می‌گویند: اخوی! اعتقاد یا انکار شما نسبت به حقایق تغییرناپذیر یا خواسته‌های ازلی خدا، ضرری نمی‌رساند. چه اقرار کنید و چه انکار نمایید، حقایق در جای خودش ثابت و تغییرناپذیر است. نه با رد شما سیمارات از حرکت می‌ایستد و نه با قبول شما ثوابت به حرکت می‌آید...» (صور اسرافیل، شماره هفتم و هشتم، ص اول).

این سه محور اساس برنامه‌نوسازی در ایران است. مردم ایران تا امروز با مسئله استقرار حکومت مشروطه، به عبارتی حکومت متکی بر آرای مردم و قانون که به نظام دموکراتیک شهرت دارد، با استبداد دستگاه دولتی و حکومتی و با جهل و نادانی بخش بزرگی از مردم درگیر است. بنابراین، فعالیت روزنامه صور اسرافیل را می‌توان در مسیر نوسازی ایران تعریف کرد.

یافته‌های تحقیق در مورد روزنامه صور اسرافیل از تاریخ ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ تا ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶-۹ خرداد ۱۲۸۶ تا ۳۰ خرداد ۱۲۸۷-۳۰ مه ۱۹۰۷ میلادی تا ۲۰ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی در یک سال، تعداد ۳۲ شماره از روزنامه صور اسرافیل منتشر شده است.

بررسی ۳۲ شماره نشریه صور اسرافیل نشان می‌دهد که تعداد ۱۲ شماره دارای سرمقاله و تعداد ۳۲ شماره دارای مقاله و تعداد ۲۹ شماره هم دارای مقاله‌های چرند پرند بوده‌اند. (جدول ۱)

جدول ۱. توزیع فراوانی ساختار کلی سبک مطالب روزنامه صور اسرافیل.

ردیف	ساختار سبک مطالب	تعداد	درصد
۱	سرمقاله	۱۲	۱۶/۵٪
۲	مقاله	۳۲	۴۳/۸٪
۳	چرند پرند	۲۹	۳۹/۷٪
	جمع کل	۷۳	۱۰۰٪

اطلاعات مربوط به ساختار موضوعی مطالب این روزنامه در «جدول ۲» نشان می‌دهد که در این روزنامه تعداد ۱۲ سرمقاله به چاپ رسیده و ۵۰ درصد سرمقاله‌های نوشته‌شده در روزنامه به موضوع اجتماعی، مذهبی اختصاص داده شده است.

تصور می‌کردند، نبود. علت اصلی ناکام ماندن تأثیر رسانه‌ها در این‌گونه جوامع، به شکلی که در جوامع صنعتی پیشرفته مشاهده می‌شود را باید در ساختار استبدادی و سرکوب رسانه‌ها در این جوامع دانست. بنابراین فرایند نوسازی در این جوامع را باید در ارتباط نزدیک با مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این جوامع تعریف کرد.

فرایند نوسازی در این وضعیت با روند آن در جوامع غربی تفاوت ماهوی دارد. طبیعی است که نقش رسانه‌ها نیز در این جوامع با جوامع غربی فرق دارد. ما در این پژوهش محتوای روزنامه صور اسرافیل را با توجه به این وضعیت بررسی کردیم.

محتوای روزنامه صور اسرافیل را در سه محور تقسیم کردیم: نخست، تلاش برای استقرار حکومت قانون؛ دوم، مبارزه با استبداد و سوم، مقابله با جهل و خرافات مردم. این سه محور، شاخص‌های تعیین نوسازی در آن عصر در ایران، به‌مثابه کشوری توسعه‌نیافته، هستند. ما در این پژوهش با استخراج مباحث مرتب با این سه محور و طبقه‌بندی آن‌ها در چند جدول تلاش کردیم نشان دهیم که روزنامه صور اسرافیل در معنای محدود و با توجه به شرایط ایران موفق بوده است. گروهی از مردم از طریق این روزنامه با مقولات بنیادی مانند قانون، مجلس شورای ملی، آزادی، ملت، وطن و غیره آشنا شدند. کارکردی دیگری که این روزنامه در مسیر نوسازی با تعبیر ایرانی داشت، اهمیت پیدا کردن نقش افرادی بود که به طبقات شناخته‌شده ایران مانند روحانیون و اشراف تعلق نداشتند. این گروه در آن عصر منورالفکر و بعدها روشنفکر نامیده شد و تأثیر قابل ملاحظه مثبت و منفی بر فرایند نوسازی در ایران گذاشت (راسخ، ۱۳۹۷). کارکرد دیگر روزنامه صور اسرافیل در مسیر نوسازی ایرانی، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری روزنامه‌نگاری ایرانی شد. این روزنامه یکی از پیشگامان روزنامه‌نگاری متفاوت در ایران است، روزنامه‌نگاری‌ای که با نوع غربی آن تفاوت دارد، لیکن برای جامعه ایرانی جدید بود.

محتوای روزنامه صور اسرافیل نشان می‌دهد که این روزنامه نه فقط در طرح نظریه تحولات اجتماعی سیاسی، مبارزه با استبداد و تحریک و تهییج مردم در فرایند براندازی حکومت قاجار نقش داشت، بلکه نقش جایگزین حزب سیاسی و جامعه مدنی را در آن عصر ایفاء کرد، نقشی که هنوز در جوامع در حال توسعه خاورمیانه دیده می‌شود.

خرافه‌پرستی مردم بوده و روزنامه در سرمقاله‌هایش بیش از سایر موارد به انتقاد از آن پرداخته است و انتقاد از درباریان و عوامل وابسته به استبداد و وزرا در رده‌های بعدی قرار دارد. ولی در مقابل جهت انتقادی مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند بیشتر شامل درباریان و عوامل وابسته به استبداد است.

جدول ۴. توزیع فراوانی جهت انتقادی مطالب صور اسرافیل.

جهت انتقادی مطالب	سرمقاله		مقاله		چرند پرند
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شخص شاه	---	---	۴/۸	۱	---
وزرا	۱	۱۱/۱	۹/۵۲	۲	---
درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۳	۳۳/۴	۴۷/۶	۱۰	۷۲/۵
وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	---	---	۹/۵۲	۲	۵/۵
شاه- وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	---	---	۹/۵۲	۲	۵/۵
جهل و خرافه‌پرستی مردم	۵	۵۵/۵	۹/۵۲	۲	۱۱٪
حامیان و مروجین اسلام	---	---	۹/۵۲	۲	---
مجلس، وکلای ملت	---	---	---	---	۵/۵
جمع کل	۹	۱۰۰٪	۲۱	۱۰۰٪	۱۹

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بالا اشاره شد، نظریه‌سازانی مانند رابرت مرتون، پاول لازارسفلد، هارولد لاسول، چارلز رایت میلز، دانیل لرنر، ویلیبر شرام، دیوید لرنر، نلسون لیبل و هانس اشپیر بر تأثیر مطبوعات در فرایند نوسازی اجتماعی تأکید دارند. آثار افرادی مانند هارولد لاسول، دانیل لرنر، ویلیبر شرام و دیوید لرنر که پژوهش‌هایی درباره تأثیر رسانه بر فرایند نوآوری و نوسازی در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای خاورمیانه انجام داده‌اند، در این زمینه از برجستگی برخوردار هستند. تجربه نیم‌قرن گذشته در کشورهای خاورمیانه، به‌خصوص در چهار دهه گذشته در ایران، نشان می‌دهد که این صاحب‌نظران خوش‌بین بوده‌اند. تأثیر مطبوعات در فرایند نوسازی به آن شکلی که این‌ها

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|----------------------------|---|---------------------|
| 1. Jürgen Habermas | 2. Fourth Estate | 3. Bernard Berenson |
| 4. Charles Prestwich Scott | 5. Paul Felix Lazarsfeld/Robert King Merton | |
| 6. Harold Dwight Lasswell | 7. Charles Wright Mills | 8. Daniel Lerner |
| 9. Wilbur Schramm | 10. David Lerner | 11. Nelson M. Lyle |
| 12. Hans Speier | | |

منابع

- آلبر، پیر؛ ترو، فرناندو (۱۳۶۳)، *تاریخ مطبوعات جهان*، ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته، تهران: پاسارگاد.
- ابوتربیان، حسین (۱۳۶۶)، *مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۶*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اسماعیلی، علیرضا؛ موسوی، سید حسین؛ خانیکی، هادی؛ مسجد جامعی، احمد (۱۳۸۰)، *اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی (فکری)، روزنامه وقایع اتفاقیه، *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱-۲۳.
- باری یر، ج. (۱۳۶۳)، *اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران.
- باقریان‌نژاد اصفهانی. زهرا (۱۳۷۱)، *روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران*، اصفهان: مولانا.
- براون، ادوارد (۱۳۳۵)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمدرضا عباسی، جلد اول، تهران: انتشارات معرفت.
- برزین، مسعود (۱۳۴۵)، *سیری در مطبوعات ایران*، تهران: انتشارات راستی.
- برزین، مسعود (۱۳۵۴)، *مطبوعات ایران از ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۳*، تهران: انتشارات بهجت.
- بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۷۹)، *مطبوعات*، روشنفکران و جامعه - بررسی نقش عوامل سیاسی، اجتماعی در حضور نخبگان در مطبوعات، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- بشیر، حسن (۱۳۸۸)، *نقش مطبوعات در فرایند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۸۴)، *مطبوعات در دوره اصلاحات: چالش‌ها و تحولات*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، *غیرسازی در نشریات حزبی، رسانه، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۲۲-۳۳*.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (دو جلدی)*، تهران: نشر دانشگاهی.
- پورشهریاری، مه‌سیما؛ عبداللهی، عباس؛ امینی، آرزو (۱۴۰۱)، *واکاوای عوامل انگیزشی استفاده از رسانه‌های اجتماعی مجازی در بین جوانان: یک مطالعه کیفی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۵۲، ۶۵-۹۸*.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۷۶)، *بررسی تطبیقی ارزش‌های اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- حسین‌زاده، منصور (۱۳۷۱)، *تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱)، *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: انتشارات طرح نو.
- دبیرسیاقتی، سید محمد (۱۳۶۴)، *مقالات دهخدا*، تهران: انتشارات تیراژه.
- درودیان، ولی‌الله (۱۳۷۸)، *دخوی نابغه*، تهران: گل آقا.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۹۵)، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۷)، *سنت‌گرایی بازتابی، مبانی جامعه‌شناسی سیاسی ایران (عصر قاجار)*، تهران: آگاه.
- راسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۵)، *تأثیر تفکر دوگانه فلسفی در آلمان بر تفکر اجتماعی و سیاسی یورگن هابرماس دهه ۱۹۵۰*، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۸، ۱-۹.
- راسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۸)، *میرزا صالح شیرازی و سنت‌گرایی بازتابی، مطالعات ایرانی (دانشگاه کرمان)*، شماره ۳۵، بهار و تابستان، صص ۶۷-۹۳.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رسول‌اف، رامین وراسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۷)، نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح‌القدس و صوراسرافیل، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال چهاردهم، شماره ۵۰.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)؛ *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: انتشارات اطلاعات.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سبزی پور، امیر و احمدی‌خواه، علی (۱۳۸۸)، بررسی هفته‌نامه صور اسرافیل، *تاریخ درآینه پژوهش*، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۴۸.

صالح‌یار، غلامحسین (۱۳۵۵)، *چشم‌انداز جهانی و ویژگی‌های ایرانی مطبوعات*، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.

صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران (چهارجلدی)*، تهران: انتشارات کمال.

صلح‌جو، جهانگیر (۱۳۴۸)، *تاریخ مطبوعات در ایران و جهان*، تهران: امیرکبیر.

ظاهری، معصومه (بی‌تا)، *گذری بر تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعاتی در ایران از ۱۳۱۵ الی ۱۳۵۷*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فتحی، ابراهیم؛ شاکری‌نژاد، محسن؛ باقری، مجید (۱۴۰۱)، رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *مجلس و راهبرد*، سال بیستم و نهم، بهار، شماره ۱۰۹، ۸۷-۱۲۱.

فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *روزنامه مجلس*، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت، *گنجینه اسناد*، شماره ۱۸، صص ۳۵-۵۰.

قاسمی، فرید (۱۳۸۰)، *سرگذشت مطبوعات در ایران: روزگار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه*، دو جلد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قاسمی، فرید (۱۳۸۳)، *اولین‌های مطبوعات ایران*، تهران: نشر آبی.

قاسمی، فرید (۱۳۸۳)، *رویدادهای مطبوعاتی ایران*:

۱۲۱۵-۱۳۸۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قاسمی، فرید (۱۳۹۴)، *مطبوعات ایران در قرن بیستم*، تهران: انتشارات قصه.

قاسمی، فرید؛ دهباشی، علی (۱۳۹۳)، *تاریخ شفاهی مطبوعات ایران: گفت‌وگوهایی با پیشکسوتان روزنامه‌نگاری*، ققنوس.

قاسمی، فرید؛ شکرخواه یونس (۱۳۹۴)، *تاریخ مطبوعات ایران به انضمام پیشینه مطبوعات جهان*، تهران: انتشارات ثانیه.

گل محمدی، احمد؛ ماهیوند، شاپور؛ آژند، یعقوب (۱۳۷۸)، *اسنادی از مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۴۰*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لرنر، دانیل (۱۳۸۳)، *گذر جامعه سنتی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محسینی‌راد، مهدی (۱۳۷۵)، بررسی مقایسه‌ای ارزش‌های القاشده در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی، *رساله دکتری*، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۷۵)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: بعثت.

مشیری، علی (۱۳۴۳)، *اولین روزنامه‌های ایرانی*، سخن، سال ۱۴، شماره ۷.

معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

معمد نژاد، کاظم (۱۳۷۰)، *سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب*، رسانه، سال ۷، شماره ۵، صص ۱۲-۲۵.

مهرداد، هرمز (۱۳۸۰)، *نظریات و مفاهیم ارتباطات جمعی*، تهران: انتشارات فاران.

مولانا، حمید (۱۳۵۸)، *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

میربخش، سیما؛ سلطانی‌فر، محمد؛ نصیری، بهاره (۱۴۰۱)، *گفتمان‌های حاکم بر آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در ایران*، *دین و ارتباطات*، سال بیست و نهم، بهار و تابستان، شماره ۱، پیاپی ۶۱، ۲۲۳-۲۵۴.

نجم، حسن (۱۴۰۱)، *ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی و حق پاسخگویی رسانه‌ها در ایران*، *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، سال پنجم، خرداد، شماره ۴۹، ۴۲-۵۸.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رسول‌اف، رامین وراسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۷)، نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح‌القدس و صوراسرافیل، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال چهاردهم، شماره ۵۰.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)؛ *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: انتشارات اطلاعات.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سبزی پور، امیر و احمدی‌خواه، علی (۱۳۸۸)، بررسی هفته‌نامه صور اسرافیل، *تاریخ درآینه پژوهش*، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۴۸.

صالح‌یار، غلامحسین (۱۳۵۵)، *چشم‌انداز جهانی و ویژگی‌های ایرانی مطبوعات*، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.

صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران (چهارجلدی)*، تهران: انتشارات کمال.

صلح‌جو، جهانگیر (۱۳۴۸)، *تاریخ مطبوعات در ایران و جهان*، تهران: امیرکبیر.

ظاهری، معصومه (بی‌تا)، *گذری بر تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعاتی در ایران از ۱۳۱۵ الی ۱۳۵۷*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فتحی، ابراهیم؛ شاکری‌نژاد، محسن؛ باقری، مجید (۱۴۰۱)، رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *مجلس و راهبرد*، سال بیستم و نهم، بهار، شماره ۱۰۹، ۸۷-۱۲۱.

فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *روزنامه مجلس*، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت، *گنجینه اسناد*، شماره ۱۸، صص ۳۵-۵۰.

قاسمی، فرید (۱۳۸۰)، *سرگذشت مطبوعات در ایران: روزگار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه*، دو جلد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قاسمی، فرید (۱۳۸۳)، *اولین‌های مطبوعات ایران*، تهران: نشر آبی.

قاسمی، فرید (۱۳۸۳)، *رویدادهای مطبوعاتی ایران*:

محمدی، تهران: نشر افکار. یزدانی، سهراب (۱۳۸۶)،
 صور اسرافیل، نامه آزادی، تهران: نشر نی.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۲)، دگرگونی ساختاری حوزه
 عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه جمال

Gottschlich, M. (1980), *Journalismus und Orientierungsverlust*. Grundprobleme öffentlich-kommunikativeen Handelns. Wien/Köln/Graz.

Jerabek, Hynek (2011), Merton and Lazarsfeld: Collaboration on Communication Research—Two Papers, Two Research Instruments, and Two Kindred Concepts”, *Czech Sociological Review*, Vol 47, No. 6, 1191-1214.

Lasswell, H. D. (1948). The structure and function of communication in society. In L. Bryson (Ed.), *The communication of ideas* (pp. 37-51). New York: Harper and Row.

Lasswell, Harold Dwight, Daniel Lerner, and Hans Speier (1979) *The Symbolic Instrument in Early Times*. East-West Center.

Lerner, Daniel (1958) *The Passing of Traditional So-*

ciety: Modernizing the Middle East. New York: Free Press.

Lerner, Daniel (1972) *Communication for Development Administration in Southeast Asia*. Asia Society—SEADAG.

Lerner, Daniel, Lyle M. Nelson, and Wilbur Lang Schramm. (1977) *Communication Research: A Half-Century Appraisal*. Published for the East-West Center by University Press of Hawaii.

Schramm, Wilbur, & Lerner, David. (Eds.). (1976). *Communication and change: The last ten years and the next*. Honolulu, HI: University of Hawaii Press.

Scimecca, Joseph A. (1976), Paying Homage to the Father: C. Wright Mills and Radical Sociology”, *The Sociological Quarterly*, Vol 17, No. 2, 180-196.

